

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 1396/09/17

موضوع: بررسی شبهات مهدویت (1) - مقدمه و کلیات

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. سپاس دیگر اینکه به این حقیر توفیق داد در این محفل نورانی در جمع شما عزیزان و گرامیان حضور پیدا کنیم و در رابطه با یکی از بهترین موضوعات و معارف دینی که عبارت از «مهدویت» باشد با شما عزیزان گفتگو داشته باشیم.

همان‌طور که اشاره شد موضوع بحث، «شبهات حول مهدویت» است. البته عزیزان مستحضر هستند از همان روزهای آغازینی که موضوع امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مطرح شد، هجمه‌ها و شبهات به سوی موضوع امامت و رهبری آن بزرگوار سرازیر شد.

شاید بشود ادعا کرد پایه‌گذاری شبهات علیه امامت در عصر نبوت شکل گرفت. اگر شما روایاتی را که در رابطه با امامت امیرالمؤمنین مطرح است ملاحظه کنید می‌بینید از ناحیه صحابه و منافقین هجمه‌ها و شبهات آغاز می‌شود!!

این مسئله تا جایی پیش می‌رود که رسول گرامی اسلام با امیرالمؤمنین نجوا می‌کند. بلافاصله اعتراض‌ها شروع می‌شود:

«عن أبي الزُّبَيْرِ عن جَابِرٍ قال لَمَّا كان يَوْمُ غَزْوَةِ الطَّائِفِ قام النبي صلى الله عليه وسلم مع عَلِيٍّ رضي الله عنه مَلِيًّا مِنَ النَّهَارِ فقال له أبو بَكْرٍ رضي الله عنه يا رَسُولَ اللَّهِ لقد طَالَتْ مُتَاجِئَاتُكَ عَلَيَّا مُنْذُ الْيَوْمِ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما أنا أَنْتَجِيئُهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَنْتَجَاهُ»

به خدا قسم من با علی نجوا نمی‌کردم، بلکه خداوند با علی نجوا می‌کرد.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983 ، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي؛ ج2، ص 186، ح

1756

قضیه ازدواج حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مطرح می‌شود شبیه‌ها علیه نبی مکرم اسلام و امیرالمؤمنین به اوج می‌رسد. پیغمبر اکرم بازهم بر فراز منبر از این قضیه دفاع می‌کند:

«لما زوج رسول الله فاطمة من علي أتاه الناس من قريش فقالوا إنك زوجت عليا بمهر خسيس فقال ما أنا زوجت عليا ولكن الله زوجه»

من نبودم که زهرا را به ازدواج علی درآوردم، بلکه خدا بود که فاطمه را به ازدواج علی درآورد.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري؛ ج42، ص 127

امثال این قضایا فراوان است. اگر شما به ماجرای سد ابواب مراجعه کنید خواهید دید که نقزندن‌ها به جایی می‌رسد که قلب مقدس نبی مکرم اسلام به درد می‌آید و می‌فرماید:

«مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَفَتَحْتُ بَابَ عَلِيٍّ، وَلَكِنَّ اللَّهَ فَتَحَ بَابَ عَلِيٍّ وَسَدَّ أَبْوَابَكُمْ»

جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدين عبد الرحمن

السيوطي؛ ج11، ص 121، ح 3349

ما در این زمینه شواهد زیاد داریم. بعد از رحلت نبی مکرم اسلام طبق سخن پیغمبر اکرم که فرمودند:

« صَغَائِنُ فِي صُدُورِ قَوْمٍ لَا يُبَدُونَهَا لَكَ حَتَّى يَفْقِدُونِي »

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -

الموصل - 1404 - 1983 ، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي؛ ج11، ص 73، ح

11084

رسول گرامی اسلام در اینجا خطاب به امیرالمؤمنین می فرماید: یا علی! من می بینم کینه‌هایی که در سینه بعضی از اقوام وجود دارد در حیات من بروز پیدا نمی کند، بلکه بعد از رحلت من کینه‌ها، عقده‌ها و عداوت‌ها بروز پیدا می کند.

تعبیر دیگری از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وارد شده است که حضرت می فرماید:

« إن مما عهد إلي النبي أن الأمة ستغدر بي بعده »

یکی از وصایای نبی گرامی این بود که امت بعد از آن بزرگوار در حق من حيله، غدر و جفا می کنند.

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - 1411هـ - 1990م ، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا؛ ج3، ص

150، ح 4676

بنا به نقل «ابن ابی الحديد معتزلی» که نقل می کند امیرالمؤمنین فرمود:

«اللهم إني أستعديك على قریش فإنهم أضمرُوا لرسولک ص ضروباً من الشر و الغدر»

خدایا از تو استمداد می‌کنم مرا در مقابل توطئه قریش یاری فرما؛ این‌ها نسبت به نبی مکرم (علیه السلام) توطئه‌هایی را در سر می‌پروراندند.

نمونه این کار جنگ تبوک است که تصمیم می‌گیرند رسول اکرم را ترور کنند، شتر ایشان را از بالای دره رم داده و به دره سقوط دهند. آقای «ابن حزم أندلسی» در کتاب «المحلی» جلد 11 صفحه 224 اسم این افراد را می‌برد و می‌نویسد:

«أرادوا قتل النبی إلا یوما ائتمروا به»

المحلی، اسم المؤلف: علی بن أحمد بن سعید بن حزم الظاهری أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بیروت، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربی، ج 11، ص 224، ح 36561

این افراد تصمیم داشتند نبی گرامی اسلام را ترور کنند. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«فإنهم أضمرُوا لرسولک ص ضروباً من الشر و الغدر»

این‌ها نسبت به نبی مکرم (علیه السلام) توطئه‌هایی را در سر می‌پروراندند.

«فعجزوا عنها»

و از پیاده کردن آن توطئه‌ها عاجز ماندند.

«و حلت بینهم و بینها»

خدایا تو بین قریش و توطئه‌های بر ضد نبی مکرم (علیه السلام) مانع شدی.

«فكانت الوجبة بی و الدائرة علی»

وانتقام نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را از من علی گرفتند.

هنوز غسل کفن نبی گرامی اسلام خشک نشده بود که حمله‌ها به خانه امیرالمؤمنین و کتک زدن حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و صدها قضایای دیگر اتفاق افتاد.

«فکانت الوجبة بی و الدائرة علی»

وانتقام نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را از من علی گرفتند.

آن بزرگوار سپس دست خود را بلند می‌کند و عرضه می‌دارد:

«اللهم احفظ حسنا و حسینا»

خدایا حسن و حسینم را از شر قریش محافظت فرما.

شرح نهج البلاغة، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدین بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد

المدائني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1418هـ - 1998م، الطبعة: الأولى، تحقيق:

محمد عبد الكريم النمري؛ ج 20، ص 158

لذا عزیزانم، این شبهات در حوزه فرهنگی و فیزیکی به همین شکل ادامه پیدا کرد. البته در برابر هجمه‌هایی که صورت می‌گرفت ائمه طاهربین (علیهم السلام) ساکت نبودند. امیرالمؤمنین بارها به این شبهات پاسخ دادند، «ابن عباس» به شبهات پاسخ می‌داد، «سلمان» و «ابوذر» در صحنه حضور دارند. حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) با خطبه‌های آتشین بر سر مهاجرین و انصار فریاد می‌زنند و می‌فرمایند:

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُذْرًا؟!»

آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی عذری هم گذاشت؟!

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 30،

ص 124، ح 2

و:

«أُنسِيتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ: «مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ»»

عوالم العلوم و المعارف والأحوال - الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد

الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ص 121، ح 166

خطبه آتشین حضرت فاطمه زهرا آبرو و حیثیتی برای مخالف امیرالمؤمنین باقی نگذاشت. بعد از آن مشاهده می‌کنیم امام حسن مجتبی و حضرت سیدالشهداء به شبهات پاسخ می‌دهند.

اوج شبهات در عصر امام صادق (علیه السلام) است. آن بزرگوار شروع به تربیت شاگردان مبرز و برجسته در حوزه پاسخگویی به شبهات و ورود به مناظره با مخالفین می‌کند.

اگر دوستان در کتاب «رجال کشی» شرح حال «هشام بن حکم» را مطالعه کنند خواهند دید که در آنجا روایات متعددی با سندهای معتبر نقل شده است که امام صادق (علیه السلام) در برابر هجمه‌ها و شبهات ساکت نمی‌نشیند.

در کتاب «بحارالانوار» وارد شده است که امام صادق (علیه السلام) در صحرای منا حضور دارند. مردی از منطقه شام می‌آیند و عرضه می‌دارد:

«فَصِرْتُ إِلَيْكَ لِأَنَّظِرَكَ»

امام صادق (علیه السلام) در این حدیث انواع فنون مناظره را بیان می‌کنند که الآن وقت توضیح دادن آن را نداریم. آن بزرگوار ابتدا می‌فرماید: برادر شامی در چه موضوعی می‌خواهی با من مناظره کنی؟! ابتدا موضوع را روشن کن تا سپس با هم مناظره کنیم.

او ابتدا درخواست می‌کند که در رابطه با مباحث علوم قرآنی با امام صادق مناظره کند. تعدادی از شاگردان برجسته امام صادق اطراف ایشان نشستند؛ «زراره»، «مؤمن الطاق»، «هشام بن سالم»، «هشام بن حکم»، «حمران بن أعین» هرکدام در اطراف نشستند.

حضرت ابتدا نظر می‌کنند و می‌فرمایند: "یا حمران! بلند شو و مناظره کن." این فرمایش امام صادق به مزاج مرد شامی خوش نمی‌آید و به همین خاطر عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله! من آمدم تا با شما مناظره کنم.

امام صادق در این حال جمله‌ای می‌فرماید که خدای عالم شاهد است اگر این جمله امام صادق را در یک کفه بگذارند و تمام ثروت و مقام دنیا را از حضرت آدم تا قیام قیامت در کفه دیگر بگذارند ارزش این جمله بالاتر است. آن بزرگوار می‌فرماید:

«إِنْ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

اگر بر حمران پیروز شدی بر من پیروز شده‌ای.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 47،

ص 407، ح 11

امام صادق شاگردانی تربیت کرده‌اند که می‌فرمایند: پیروزی و شکست «حمران» پیروزی و شکست من است!! «حمران» برای مناظره بلند می‌شود و او را شکست می‌دهد.

مرد شامی سپس ادعا می‌کند که می‌خواهم در رابطه با مسائل فقهی مناظره کنم و حضرت «زراره» را به مناظره فرامی‌خواند. زمانی که مرد ادعا می‌کند که می‌خواهد در رابطه با مسائل کلامی مناظره کند حضرت به «هشام بن سالم» دستور مناظره می‌دهند.

آخرین موردی که مرد شامی در چنته دارد این است که ادعا می‌کند در مورد امامت مناظره کند با این تصور که می‌تواند در حوزه امامت شاگردان امام صادق (علیه السلام) را شکست دهد.

حضرت در این حوزه «هشام بن حکم» را برای مناظره فرامی‌خوانند همو که در صدر روایت هم وارد شده هنوز موی صورتش روییده نشده است. این شخص پانزده سال بیشتر ندارد، اما امام صادق به او دستور مناظره می‌دهد.

«هشام بن حکم» بلند می‌شود و آنچنان عرصه را بر مرد شامی تنگ می‌کند که امام صادق فرمودند: «هشام بن حکم» این جوان کم سن و سال آنچنان عرصه را بر مرد شامی تنگ کرد که حتی توان فرو بردن آب دهان را هم از او گرفت.

وقتی که مناظره تمام شد امام صادق جمله زیبایی فرمودند که من از دوستان تقاضا دارم به این جمله خوب دقت کنند. مرد شامی به حضرت عرضه می‌دارند: یا بن رسول الله! آیا خواستید شاگردان خود را به رخ من بکشید؟!

امام صادق می‌فرمایند: بله، خواستم این شاگردان را به رخ تو بکشم. شما خیال می‌کنید وقتی هر روز شبهه‌ای جدید مطرح می‌کنید ما ساکت می‌نشینیم؟!

مرد شامی که از منطقه شام آمده تا با امام صادق مناظره کند و ایشان را شکست دهد و خبر پیروزی خود را در منطقه شامات اعلام کند، خاضعانه از حضرت تقاضا می‌کند: یا بن رسول الله! اجازه می‌دهید من هم در صف

شاگردان تو درآیم و از محضر پرفیض شما استفاده کنم؟ حضرت می‌فرماید: «هشام بن حکم» مطالبی که از ما یاد گرفتی را به این مرد شامی هم تعلیم بده."

این فرمایش امام صادق به این معناست که این شخص هنوز در حدی نیست که در صف شاگردان امام صادق دربیاید. امام صادق به مرد شامی فهماندند که فعلاً از محضر شاگردان ایشان استفاده کند تا ببینند که چه تصمیمی می‌توانند برای او بگیرند.

سروران من! موضوع شبهه از روز اول یک موضوع جدی بوده و ائمه طاهرین (علیهم السلام) در برابر این موضوع ساکت نبودند. امروز هم می‌توان گفت این شبهات به اوج خود رسیده است.

تقریباً از سال 1364 یا 1365 در یکی از مراکز پژوهشی قم به نام «مرکز أبحاث عقائديه» که تحت اشراف حضرت آیت الله سیستانی است دوستان تصمیم گرفتند کتاب‌هایی که علیه شیعه به زبان‌های فارسی، عربی، اردو و انگلیسی نوشته شده را جمع‌آوری کنند.

خدا بیامرزد جناب آقای «فارس حسون» مدیر این مرکز، حدود پنج هزار عنوان کتاب جمع کردند که بعضی از عنوان‌ها همانند «المغنی» اثر «قاضی عبدالجبار معتزلی» در بیست جلد و «منهاج السنة النبویة» اثر «ابن تیمیه» در نه جلد است. و همچنین «ابن تیمیه» کتاب دیگری به نام «مجموع الفتاوی» دارد در سی جلد.

دوستان جمع شدند و این کتاب‌ها را بررسی کردند و نزدیک ده سال روی این کتابها کار شد و قریب هشت هزار شبهه در سیصد عنوان جمع‌آوری شد!!

عزیزان! گفتن «هشت هزار شبهه» ساده است ولی شاید تصور آن بسیار سخت باشد. در هشت جلد، تعداد اندکی حدود دوازده دوره چاپ شد، خدمت مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید دادند و قرار شد دوستان پیرامون این کتب کار کنند.

در آن زمان تقریباً شاید کمتر از بیست سال از انقلاب گذشته بود که روزی آقای «فارس حسون» به بنده گفت: بررسی‌های ما به نتیجه تلخی رسید که این قلب من را به درد می‌آورد. او گفت: کتاب‌هایی که ما جمع کردیم از قرن سوم و چهارم اولین کتابی که علیه شیعه نوشته شد توسط «جاحظ» متوفای 255 هجری است. این سال، سال ولادت مولای ما حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا له الفداه) است.

او می‌گفت: ما این کتب را در طول 20 سال پس از انقلاب جمع کردیم. بنده پرسیدم: نتیجه‌ای که قلب شما را به درد آورده چیست؟! او در جواب گفت: در بررسی‌هایی که ما داشتیم در رابطه با کتاب‌هایی که علیه شیعه نوشته شده در طول این بیست سال پس از انقلاب، سه برابر چهارده قرن گذشته، علیه شیعه کتاب نوشته‌اند. 25 درصد این کتب از قرن سوم هجری تا سال 1358 است. یعنی 75 درصد این کتب در طول 20 سال اخیر نوشته شده است. بنده از ایشان پرسیدم: تحلیل شما چیست؟!

گفت: این افراد از قرن هفتم و هشتم از زمان «ابن تیمیه» متوفای 728 هجری که از سال 697 و 698 تا آخر عمر علیه شیعه حرف زدند. این افراد صدها کتاب نوشتند مبنی بر اینکه مذهب شیعه ارتباطی به اسلام ندارد، بلکه ساخته و پرداخته یهود است.

آن‌ها ادعا کردند که «عبدالله بن سبأ» یهودی مؤسس و مخترع مذهب شیعه بوده است، لذا شیعه کافر و مشرک است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران معارف شیعه و مبانی اعتقادی شیعه در رسانه‌ها به گوش مردم در اقصی نقاط عالم رسید. مردم دیدند آنچه در طول 800 سال علیه شیعه کتاب نوشتند و قلم زدند با آنچه از رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران که یک کشور برخاسته از فرهنگ اهل بیت است کاملاً متفاوت است.

بنابراین این افراد به دست و پا افتادند تا علیه شیعه کتاب بنویسند. این افراد شروع به افتراءات، بهتان‌ها و دروغ‌هایی علیه مذهب تشیع کردند.

بنده روزی کنار بیت الله الحرام با چند تن از دانشجویان بحث می‌کردم. این افراد بحث را به اینجا کشاندند که شنیدیم در جمهوری اسلامی ایران امام خمینی در اذان نماز و اقامه اسم خود را وارد کرده است و مردم ایران و تشیع قبل از آنکه به رسالت نبی گرامی اسلام شهادت بدهند به رسالت امام خمینی شهادت می‌دهند.

بنده گفتم: بله، در یکی از کتب درسی دانشگاه بزرگ مدینه «أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية» در جلد سوم صفحه 1154 به بعد «ناصرالدین غفاری» این عبارت را آورده است:

«إن الخميني أدخل اسمه في أذان الصلاة وقدمه على الشهادتين. يقول د. موسى الموسوي (2). "أدخل الخميني اسمه في أذان الصلوات، وقدم اسمه على اسم النبي الكريم، فأذان الصلوات في إيران بعد استلام الخميني للحكم، وفي كل جوامعها كما يلي: "الله أكبر، الله أكبر (خميني رهبر) أي أن الخميني هو القائد، ثم أشهد أن محمداً رسول الله"»

أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية - عرض ونقد -، المؤلف: ناصر بن عبد الله بن علي القفاري، دار النشر: بدون، الطبعة: الأولى، 1414 هـ، ج 3، ص 1154، باب ثالثاً: دعوى النبوة

بنده به ایشان گفتم: برادر من! شما دانشجوی دانشگاه أم القرى هستید که در سراسر عربستان سعودی از دیگر دانشگاه‌ها برتر است. فارغ التحصیلان این دانشگاه به عنوان ائمه جمعه و اساتید دانشگاه مطرح هستند.

اینها اگر بخواهند دانشجویان عربستان سعودی را به خارج بفرستند عمدتاً فارغ التحصیلان دانشگاه أم القرى که یک مرکز وهابی پرور است را از دیگران برتر می‌دانند.

یکی از توفیقاتی که خداوند عالم به بنده داده این است که من شاید بیش از 150 جلسه مناظره با دانشجویان و اساتید دانشگاه أم القرى داشته‌ام.

بنده به این دانشجویان گفتم: اگر این حرف را شترچران‌های بیابان ریاض می‌زدند ما گلایه نمی‌کردیم. اما اینکه یک استاد دانشگاه «امام محمد بن سعود» در ریاض آن هم در کتاب درسی مقطع ارشد چنین حرفی می‌زند جای تأسف است.

بنده گفتم: قضیه اذان در جوامع شیعه چیزی نیست که مخفی باشد. در حال حاضر رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران هرروز اذان به وقت تهران، آنکارا، لندن، لس آنجلس در ماهواره‌ها پخش می‌کنند.

آیا شما در هیچکدام از اذان‌ها شنیده‌ای که نام رهبر ایران قبل از نام رسول اکرم برده شده باشد؟! آیا اصلاً اسمی از امام خمینی در اذان‌ها و اقامه‌ها وجود دارد؟!

گفتم اینها پیشکش شما باشد، اما هر سال نزدیک 90 هزار حاجی برای تمتع می‌آیند و هر سال نزدیک 200 هزار نفر حاجی از ایران برای عمره می‌آیند. حداقل مشاهده کنید که آیا هیچکدام این افراد در اذان و اقامه آنچه اساتید شما مطرح می‌کنند را دارند یا خیر؟!

بنده در مسجد بیت الله الحرام مشاهده کردم که چند تن از ایرانیان در صف عقب نشسته‌اند. از این افراد درخواست کردم که جلو تشریف بیاورند. زمانی که این افراد آمدند به ایشان گفتم: از شما خواهش دارم اذانی که هر روز برای نماز می‌دهید را برای ما بفرمایید چطوری است.

این افراد اذان را از «الله اکبر» تا «لا إله إلا الله» برای ما قرائت کردند. همچنین مشاهده کردیم که یک سری از ایرانیان دارند از مسجد خارج می‌شوند. بنده از این افراد هم تقاضا کردم که اگر امکان دارد چند لحظه تأمل کنید. گفتم می‌توانم خواهش کنم اذان را از ابتدا برای ما بیان کنید؟!

این افراد هم شروع کردند اذان را از ابتدا تا انتها برای ما بیان کردم. بنده سپس به این افراد گفتم: آیا شما خجالت نمی‌کشید و حیا نمی‌کنید که دروغ و تهمت به این بزرگی را در کتاب‌های درسی دانشگاه‌های خود

تدریس می‌کنید و در ماهواره‌ها هر روز بیان می‌کنید؟! بنده به ایشان گفتم: دیگر حرف‌های شما علیه شیعه هم از همین قماش است!!

همچنین روز دیگری بعد از اذان صبح با تعدادی از این افراد نزدیک حجر اسماعیل بحث می‌کردیم. این افراد ادعا کردند که شما شیعیان بعد از نماز سه مرتبه دستتان را بلند می‌کنید و می‌گویید: «خان الامین»، «خان الامین»، «خان الامین»!! یعنی که شما معتقدید جبرئیل خیانت کرد. خداوند از جبرئیل خواسته بود که وحی را برای امیرالمؤمنین ببرد، اما جبرئیل که خائن بود وحی را برای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) برد!!!

بنده چیزی نگفتم و دیدم تعدادی از کاروان‌های اهالی مازندران و ساری در حال عبور هستند. از خانم‌های کاروان تقاضا کردم اگر امکان دارد لحظه‌ای تأمل کنید. گفتم: زمانی که شما بعد از نماز دستتان را بلند می‌کنید چه می‌گویید؟! آن‌ها گفتند ما می‌گوییم: «الله اکبر»، «الله اکبر»، «الله اکبر»!!

بنده رو به این افراد گفتم: آیا خجالت نمی‌کشید چیزی که امتحان آن به این سادگی است را چنین دروغ می‌گویید؟!

این خانم‌ها از بنده پرسیدند که قضیه چیست؟! من گفتم: این افراد ادعا می‌کنند که شما بعد از نماز سه مرتبه می‌گویید: «خان الامین»، «خان الامین»، «خان الامین»!! در همین حال دیدم که این خانم لنگه کفش خود را از کیسه درآورد و خواست به این افراد حمله‌ور شود!! بنده گفتم: خواهرم همین اندازه که شما بر کذب این کار شهادت دادید کافیست، اینجا جای حمله کردن نیست.

لذا می‌بینیم که این افراد همین طور انواع افراشات را بر ضد تشیع به کار می‌گیرند.

کتاب «أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثنية عشرية» سه جلد کتاب درسی دانشگاه مدینه است و مؤلف این کتاب، عصاره چهارده قرن شبهه علیه تشیع را در آن جمع‌آوری کرده است.

به عبارت دیگر شما هر شبهه‌ای را در طول این چهارده قرن از زمان «جاحظ»، «عبدالجبار معتزلی»، «ابن تیمیه حرانی»، «دهلوی» و «روزبهان» تصور کنید در این کتاب جمع شده است.

مرحوم آیت الله فاضل لنگرانی دو سال قبل از رحلتشان امر فرمودند تا بنده خدمتشان شرفیاب شوم. ایشان به بنده فرمودند: "من این کتاب را دیدم. این نامرد بدجور علیه تشیع شبهه وارد کرده است. در حال حاضر این کتاب ده سال است نوشته شده است، اما نه حوزه و نه دانشگاه کسی به این کتاب پاسخ نداده است."

ایشان نسبت به بنده لطف بیش از حد داشت و چندین برابر آنچه بنده هستم را نسبت به من بزرگواری داشتند. ایشان به من گفتند: آستین بالا بزنید از جده خود حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دفاع کنید و خودشان هم شما را کمک خواهند کرد."

بنده هم که چهارده سال شاگرد درس خارج آیت الله شبیری زنجانی بودم و نظر ایشان هم برای من خیلی مهم بود فرمایش آیت الله فاضل لنگرانی را برای ایشان نقل کردم و کتاب هم خدمت ایشان دادم.

ایشان بعد از گذشت یک هفته کتاب را به من برگرداندند و گفتند: "اگر نظر من را می‌خواهید تمام درس و بحث حوزه خود را تعطیل کنید و به جواب این کتاب پردازید!!" بنده خدا را شاکرم زیرا یکی از توفیقاتی که خداوند متعال به بنده از باب:

«یا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 51،

ص 304، ج 19

عنایت کرده این است که با تعدادی از عزیزان هشت سال شبانه روز تلاش کردیم کتابی سه جلدی در جواب کتاب «أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثنية عشرية» نوشتیم.

ما این کتاب را به آقای «قاضی عسکر» دادیم و ایشان هم این کتاب را در ریاض به منزل «ناصرالدین غفاری» بردند.

شکر خداوند عالم طبق فرمایش حضرت آیت الله سبحانی که خدمت ایشان بودیم، گفتند «ناصرالدین غفاری» زمانی که جواب شما را مطالعه کرده در یک مقاله‌ای نوشته: "من اشتباه کردم علیه شیعه کتاب نوشتم، زیرا مبانی اعتقادی شیعه را خوب مطالعه نکرده بودم!!"

بنده گفتم: "خدا را شاکرم حداقل یک ناصبی تمام عیار با خواندن جوابیه کتابش، از کار خود اظهار ندامت می‌کند." این کتاب در اینترنت هم موجود است؛ ما تنها به عنوان این کتاب کلمه «نقد» اضافه کردیم و عنوان کتاب «نقد اصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة» شد.

مقام معظم رهبری سال گذشته در اولین روز درس خارج فقه جمله‌ای بیان کردند. فرمایش ایشان برای بنده هم حائز اهمیت است و هم دردآور است که خلاصه آن گلایه از حوزه‌های علمیه است.

مضمون فرمایش مقام معظم رهبری این است که حوزه‌های علمیه و طلبه‌های ما از شبهاتی که علیه شیعه است نه در حوزه سخت افزاری و نه در حوزه نرم افزاری اطلاع ندارند. افرادی هم که اطلاع دارند توانایی پاسخ دادن ندارند.

و افرادی هم که پاسخ می‌دهند یک سری شبهات تاریخ مصرف گذشته را پاسخ می‌دهند. ایشان می‌گویند: توصیه من به حوزه‌های علمیه و طلبه‌های جوان این است که فقاقت تنها فقه اصول نیست، بلکه پرداختن به شبهات هم جزئی از فقاقت است.

بنده در این زمینه از همه عزیزان تقاضا می‌کنم و دست همه را می‌بوسم. بنده با سابقه بیش از 20 سال یکی از توفیقاتی که خداوند عالم به این حقیر داد این است که در خاک عربستان با مفتیان و اساتید دانشگاه‌هایشان بیش از 250 جلسه بحث و مناظره داشتم.

شاید بتوانم ادعا کنم و ادعای گزافی هم نباشد که اولین و آخرین روحانی شیعه بودم که به «طائف» واقع در نود و پنج کیلومتری شمال مکه رفتم و با مفتی اعظم که بالاترین مقام علمی وهابیت است و بالاتر از او ندارند بیش از یک ساعت بحث و مناظره کردم. ما این مباحث را ضبط کردیم و روی اینترنت در سایت «مؤسسه ولی عصر» گذاشتیم.

دوستان عزیز بنده باید یه جمله به شما عرض کنم و آن این است: صدای دهل شنیدن از دور خوش است!! بنده با معلمان، دبیران، دانشجویان و اساتید دانشگاه وهابیت بحث کردم.

ما تصور می‌کردیم شاید بعضی از اساتید ما بسیار زیاد در مبانی کلامی تسلط ندارند، اما زمانی که با مفتی اعظم عربستان سعودی یک ساعت بحث کردم و جناب آقای «نواب» مسئول محترم بعثه مقام معظم رهبری هم حضور داشتند؛ بنده قاطعانه می‌گویم والله، تالله، بالله این افراد را پیاده اندر پیاده دیدم. یعنی اگر یک طلبه ما دو ماه یا سه ماه در رابطه با شبهات وهابیت کار کند می‌تواند قوی‌ترین روحانی وهابیت را در پنج دقیقه اول به زانو درآورد!!

یعنی این افراد چیزی در توبره ندارند، چندین شبهه را از همان دبستان و پیش دبستانی مطرح می‌کنند تا مقطع ارشد و دکترا.

همین کتابی که آقایان با هشت هزار شبهه نوشته‌اند. ما روزی خدمت حضرت آیت الله سبحانی بودیم. ایشان گفتند: اگر می‌توانید این شبهات را جمع‌بندی کنید تا ببینیم این شبهات در چه موضوعاتی است.

ما با دوستان شبهاتی که تداخل داشت را حذف کردیم و در نهایت مجموع هشت هزار شبهه وهابیت را به بیست و هشت شبهه اصلی و بیست و پنج شبهه فرعی رساندیم. به بیان بهتر، برگشت هشت هزار شبهه وهابیت به بیست و هشت شبهه می‌رسد.

بنده این حرف را قاطعانه با بیش از 25 سال سابقه در حوزه علمیه عرض می‌کنم، زیرا با قوی‌ترین آخوندهای وهابی بحث کردم. کسی که این 28 شبهه را خوب پاسخ دهد اگر با قوی‌ترین استاد و مبرزترین آخوند و مفتی وهابیت بحث کند در همان 5 دقیقه اول آن‌ها را به زانو درمی‌آورد!!

یادم نمی‌رود جریانی را که شاید دوازده سال قبل روز دوم فروردین زمانی که نماز صبح را خواندم مشغول مطالعه بودم که دیدم تلفن زنگ زد. زمانی که تلفن را برداشتم برادر عزیزمان آیت الله بوشهری از بوشهر تماس گرفته بودند.

ایشان خیلی ناراحت و عصبانی بودند زیرا عصبانیت سادات کاملاً مشخص است. ایشان به بنده گفتند: "شما در قم نشستید و نمی‌دانید که وهابیت در امارات دوره دیده‌اند به فلان منطقه ما آمدند و نزدیک 500 تن از جوانان ما را وهابی کرده‌اند. این افراد در منطقه «وحدتیه» فجایع زیادی به بار آوردند. اگر آب دستتان است نخورید و با چند تن از دوستان به اینجا بیایید. اطلاعات این افراد را دستگیر کرده به زندان انداخته، اما در همان زندان هم جوانان را به سمت وهابیت می‌کشاند."

با عصبانیتی که جناب آقای بوشهری داشتند ما دست و پای خودمان را گم کردیم و گفتیم: با این وضع چکار کنیم!! ما خدمت حضرت آیت الله طوسی و جناب آقای «خوشنویس» زنگ زدیم که فردا اول صبح عازم بوشهر هستیم.

زمانی که به بوشهر رسیدیم از همان فرودگاه ما را به مرکز زندان بردند. زمانی که وارد زندان شدیم مشاهده کردیم که سه نفر را در یک طرف آوردند و در این سمت هم بنده، آیت الله طبسی و جناب آقای «خوشنویس» بودیم.

ما خود را آماده کرده بودیم، زیرا خیال می‌کردیم این افراد از بزرگان وهابی هستند که چند تن را وهابی کرده‌اند. زمانی که این افراد را معرفی کردند خیلی تعجب کردیم زیرا یکی از آن‌ها تا دوم راهنمایی، دیگری تا پنجم ابتدایی و نفر سوم طلبه‌ای بود که تا پایه چهار و پنج حوزه درس خوانده بود.

با دیدن این وضع، الحق و الانصاف بنده مقداری از آیت الله طبسی خجالت کشیدم. ولی قسم به والله العلی الأعلی که شدیدترین قسم است و قسم به جان عزیز حضرت ولی عصر زمانی که بنده با اینها شروع به حرف زدن کردم، رئیس آن‌ها شاید پانزده دقیقه با من بحث کرد و من جواب او را دادم؛ برگشت به من گفت: "آقای قزوینی شما کجا بودید؟! چرا دیر آمدید؟! زمانی که ما این شبهات را مطرح کردیم بعضی افراد گفتند: این افراد بی‌دین، یهودی و نصاری هستند. بنده در برابر جواب‌هایی که به من دادید حرفی برای گفتن ندارم. شما کجا بودید؟! چرا دیر آمدید؟!"

او در ادامه گفت: "ما چکار کنیم تا توبه کنیم؟! چکار کنیم جوانانی که از راه به در کردیم به دین برگردند؟!" والله حرف‌های ما با او پانزده دقیقه هم طول نکشید و فیلم آن هم موجود است.

این افراد در ابتدا شروع به خواندن آیاتی از قرآن کریم کردند.

(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

آن‌هایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید) بندگان همچون خود شما هستند، آن‌ها را بخوانید و اگر راست می‌گوئید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را بر آورند).

سوره أعراف (7): آیه 194

بنده به ایشان گفتم: این آیات در قرآن کریم است و از طرف دیگر هم مشاهده کنید در سوره مبارکه یوسف آیه 97 در رابطه با حضرت یعقوب و فرزندان ایشان وارد شده است:

(يا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)

پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.

سوره یوسف (12): آیه 97

همچنین در آیه 64 از سوره مبارکه نساء در رابطه با کسانی که خدمت نبی گرامی اسلام می‌رسند وارد شده است:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذارند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

سوره نساء (4): آیه 64

این آیات بحث امامت را مطرح می‌کنند. والله العلی الاعلی یک ربع طول نکشید یکی از این افراد که طلبه حوزه علمیه آیت الله دستغیب بود وسط صحبت من اشکش جاری شد و قطره قطره اشک چشمش از ریشش سرازیر بود.

به ما می‌گفتند: چرا شما دیر آمدید؟! شما تا به حال کجا بودید؟! آیت الله طوسی و عزیزمان جناب آقای «خوشنویس» هم در آنجا حضور داشتند می‌توانید از این بزرگان هم سؤال کنید. اصلاً نوبت نرسید که این آقایان صحبت کنند.

دوستان عزیز! مشاهده کنید وقتی این افراد میدان را خالی می‌بینند دست به چنین اقداماتی می‌زنند. عزیزانمان که در منطقه وحدتیه حضور دارند باید به این آیه از قرآن کریم عمل کنند:

(وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

و با آن‌ها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.

سوره نحل (16): آیه 125

زمانی که من جواب شبهه را بلد نیستم شروع به گفتن حرف‌های بیهوده کنم سبب می‌شود این افراد در مسیری که هستند قطعاً ثابت قدم شوند و بگویند: این افراد جواب برای گفتن ندارد و به همین خاطر افترا می‌بندد!! حرف‌های بیهوده از سوی ما سبب می‌شود چند تن از جوانان شیعه که جذب این افراد شدند حرف این افراد را نگاه می‌کند که چند آیه از قرآن کریم و روایت می‌خواند قطعاً تأثیرگذار است.

فتنه‌ای که در حال حاضر در عراق و ایران ایجاد شده مخصوصاً در این منطقه شما (پردیسان) یک سری افراد بی‌خبر و ناآگاه و جاهل دنبال افرادی که معلول سیاست‌های شوم آمریکا و انگلیس در منطقه هستند را می‌گیرند.

این افراد به عنوان «یمانی» در تلاش هستند تا جوانان و طلاب ما را فریب دهند. ادعا می‌کند «سید یمانی» که در روایات هست من هستم!! من چنینم و چنان ام.

متأسفانه بعضی از طلاب ما جذب این افراد شدند. من بارها در «شبکه جهانی ولایت» و حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) اعلام کردم حاضرم با افرادی که مردم را به سمت یمانی دعوت می‌کنند و او را نایب امام زمان معرفی می‌کنند در هرکجا بگویند مناظره کنم.

بنده اعلام کردم که بعد از مناظره حاضرم با این افراد مباحثه کنم، زیرا مباحثه یکی از معجزات اسلام است. بنده حاضرم ثابت کنم افرادی که در حال حاضر به عنوان «یمانی» در قم، نجف یا مناطق دیگر فتنه برپا می‌کنند، جیش شیطان و ابلیس هستند!!

بنده ثابت می‌کنم این افراد ارتباطی به اسلام، قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) ندارند. مباحثه یکی از معجزات اسلام است. چرا این افراد برای مناظره با امثال بنده یا شاگردان ما نمی‌آیند بلکه در گوشه و کنار افراد ناآگاهی را گیر می‌آورند و شروع به تبلیغ کردن می‌کنند.

متأسفانه بعضی از طلبه‌های ما فریب فتنه این افراد را می‌خورند. واقعاً جای تأسف است. من نمی‌دانم حوزه علمیه ما چکار می‌کند!! طلبه‌های ما چکار می‌کنند!!

در حال حاضر بنده در «شبکه جهانی ولایت» و درس‌ها اعلام کردم که حاضرم با این افراد مناظره و مباحثه کنم. چرا این افراد جرئت نمی‌کنند به میدان بیایند، بلکه در گوشه و کنار بعضی از طلاب و مردم عوامی که توانایی بحث کردن ندارند را فریب می‌دهند!؟

والله الأعلى الأعلى این افراد سربازان شیطان هستند و شیطان هزار شرافت بر این افراد دارد!! شیطان حداقل یک منطقی دارد، اما افرادی که در حال حاضر به عنوان یمانی تبلیغ می‌کنند نه سواد دارند، نه وجدان دارد، نه از قرآن آگاهی دارند، نه از مبانی شیعه و اهل سنت آگاهی دارند.

بنده در حال حاضر نزدیک دو سال است اعلام می‌کنم و این افراد در منطقه شما هم طرفدار زیاد دارند. اگر این افراد در اینجا هستند یا اگر نیستند به این افراد اعلام کنید که قزوینی حاضر است با شما مناظره و مباحثه کند. مباحثه از معجزات اسلام است!!

ما می‌خواهیم ثابت کنیم شخصی که خود را «یمانی» معرفی می‌کند ابلیسی از ابالسه و شیطانی از شیاطین است. ثابت کنیم که پشت قضیه «یمانی» استعمار انگلیس، استعمار آمریکا و استعمار اسرائیل خوابیده است.

اگر ملاحظه کنید از آستین این افراد پرچم انگلیس، آمریکا و اسرائیل بیرون می‌آید. متأسفانه متأسفانه بعضی از طلبه‌های ما به قدری از معارف اسلامی و دینی فاصله دارند که فریب این کذاب‌ها و شیاطین را می‌خورند. من واقعاً تأسف می‌خورم!!

اگر این افراد در اینجا هستند و صدای من را می‌شنوند من اعلام می‌کنم که حاضر در هر جایی که اعلام کنند مناظره و مباحثه کنم. مباحثه یکی از معجزات اسلام است و هرکسی باطل باشد درجا نابود می‌شود و از بین می‌رود. از این بالاتر و واضح‌تر بیان کنیم!؟

این افراد چرا به جایی که با امثال ما یا دوستان ما بحث کنند، مخفیانه افرادی که بی‌خبر و بی‌اطلاع هستند و از مبانی دینی آگاهی ندارند را در خلوت‌کده‌ها پیدا می‌کنند و ذهنشان را می‌شویند!؟

بنده در «شبکه جهانی ولایت» بحثی ده دقیقه‌ای در مورد این افراد داشتم که حضرت آیت الله اعرافی چند هفته قبل در نماز جمعه به بنده گفتند: "من از تخصصی مهدویت درخواست کردم در جواب این افراد مطالبی را برای من بنویسند و دوستانی مثل «پور سید آقایی» مطالبی به من دادند ولی من قانع نشدم تا اینکه کلیپ شما را دیدم."

تعبیر ایشان این بود که شما بهترین نکات را در این ده دقیقه بیان کردید و محکمت این افراد را مورد حمله قرار دادید. ایشان از من درخواست کردند که اگر بشود مطالبی در حد 200 صفحه آماده کنیم و گفتند که من حاضرم با تیراژ چند هزاری با هزینه خودم چاپ و منتشر کنیم.

قرار شد که هفته ای یک روز، یا یک هفته در میان در خدمت شما بزرگواران باشیم. بنده الآن هم اعلام می‌کنم که این افراد به اینجا بیایند تا با هم مناظره و مباحثه کنیم. اگر این افراد مرد هستند و راست می‌گویند به میدان بیایند یا اینکه چادر سر کنند و در صف زنان بنشینند و نماز بخوانند.

البته ما نمی‌خواهیم به زنان جسارت کنیم، زیرا زنان ما مقامشان بسیار بالاتر از این‌هاست که فریب شیاطین را بخورند. به قدری حرف‌های این شخص که ادعای یمانی بودن دارد، متناقض و ضد دین است که طلبه‌ای که با الفبای مذهب شیعه آگاهی داشته باشد متوجه می‌شود که این افراد از جنود شیطان هستند و حرفی برای زدن ندارند.

همان روایتی که این آقایان استناد می‌کنند در رابطه با مشروعیت امامت «یمانی» که در حقیقت شیطانی از شیاطین است، ذیل همان روایت هست که «یمانی» بعد از شهادت حضرت ولی عصر تبلیغ خود را شروع می‌کند.

این افراد صدر روایت را می‌گیرند و ذیل روایت را رها می‌کنند. علاوه بر اینکه این روایت از نظر سندی صددرصد ضعیف است.

بنده که بیست سال در این حوزه رجال و درایه تدریس کردم و الحمدلله تمام مبانی علم رجال شیعه و سنی در آستینم هست می‌گویم: روایاتی که این افراد به آن استناد می‌کنند تماماً ضعیف است و مخالف با قطعیات و مسلمات عقاید شیعه است!!

این افراد چرا به میدان نمی‌آیند و مخفیانه افراد ناآگاه و بی‌خبر را فریب می‌دهند؟! بنده خیلی دوست داشتم در این زمینه صحبت کنم. حال اگر دوستان سؤالی هم داشته باشند در خدمتشان هستم.

کلیپی هم که ما در «شبکه جهانی ولایت» در نقد عقاید «یمانی» کذاب و دروغگو و فاسق و فاجر و عامل استعمار و بیگانه مطرح کردیم در فضای مجازی موجود است. دوستان می‌توانند این کلیپ را ملاحظه کنند. ما در این کلیپ چند سؤال مطرح کردیم. و یکی از این آقایان به قول خودش برای ده دقیقه ما حدود دو ساعت جواب داده است.

من خیلی خوشحال شدم، زیرا هرکسی سؤالات ده دقیقه‌ای ما را گوش کرده و لطائلات این شخص که یک ساعت و نیم زمین و آسمان را به هم بافته است را شنیده است می‌گوید که ما نفهمیدیم این شخص چه می‌گوید؟!

دوستان عزیز! امروز دشمنان تشیع یا در لباس وهابیت یا در لباس اهل سنت متشدد یا در لباس داعش یا در لباس شیعه منحرف ظهور کرده و هرکدام از یک طرف فرهنگ اهلبیت را مورد هجمه قرار می‌دهند.

بنده باز هم اعلام می‌کنم اگر این آقایان مرد هستند هفته آینده در همین مسجد بنشینند تا با هم مناظره و مباحثه کنیم. مباحثه یکی از معجزات اسلام است!! اگر این افراد راست می‌گویند به اینجا بیایند و ما هم کاملاً آمادگی داریم.

اگر ایشان نمی‌توانند با بنده مناظره کنند ما شاگردان رتبه سوم و چهارم خود را به اینجا می‌فرستیم تا با آنها مناظره کنند. باید بر همگان روشن شود که زمزمه‌های این افراد جز وسوسه‌های شیطانی و ابلیسی چیزی نیست.

متأسفانه بنده واقعاً تأسف می‌خورم که یک روحانی عمامه به سر فریب چند شیطان و ابلیس را بخورد. اگر یک انسان بی‌سواد و خارج از حوزه باشد انسان ناراحت نمی‌شود و غصه نمی‌خورد، اما من نمی‌دانم این افراد را جادو می‌کنند یا چکار می‌کنند که به این روز می‌افتند.

آنچنان قلب این افراد را قساوت گرفته و جادو و سحر این افراد را در کمند خود اسیر کرده که اگر امام زمان (ارواحنا له الفداه) را هم به اینجا بیاورید و به این افراد نشان بدهید حاضر نیستند زیر بار هیچ حقی بروند.

وقتی ما تاریخ را می‌خوانیم و امثال ابولهب‌ها و ابوجهل‌ها را می‌بینیم واقعاً تعجب می‌کنیم مگر می‌شود کسی در برابر برهان محکم و قاطع رسول گرامی اسلام بایستد؟! ولی ما در جامعه خود این افراد را می‌بینیم.

دوستان عزیز اگر این افراد قدرت پیدا کنند اولین کسی که از سر راه برمی‌دارند مرجعیت شیعه است. باید مبانی این افراد را بخوانید تا متوجه این امر شوید.

دوستان عزیز من اینجا اعلام می‌کنم در ذهن مبارکتان باشد اولین کسی که این افراد با آن‌ها مبارزه و جنگ مسلحانه می‌کنند طلبه‌ها و اساتید حوزه علمیه است، زیرا می‌دانند دشمن سرسخت این افراد که آن‌ها را مفتضح و رسوا می‌کند مرجعیت و روحانیت شیعه است.

این افراد همان منافقین اوایل انقلاب هستند که در کنار انقلاب آمدند از تمام امکانات استفاده کردند تا وقتی که روز کذایی رسید اعلام جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی کردند.

دوستان عزیز من عرض می‌کنم در ذهن مبارکتان بسپارید که این آقایان روزی اعلام جنگ مسلحانه با حوزه‌های علمیه خواهند کرد. ما باید تلاش کنیم هرکسی به اندازه توان خودش با غده سرطانی که در حوزه‌های علمیه ریشه دوانده مبارزه کنیم و آن‌ها را نصیحت کنیم.

ما باید این افراد را با ابزار علمی قانع کنیم شاید از ده نفر یک نفر برگردد و این هم به نفع جهان تشیع است.

کاملاً مشخص است که پشت صحنه این افراد چه کسانی هستند، در خارج از کشور به کجا وابسته هستند، از کجا پول می‌گیرند و چطور تغذیه فکری و روحی می‌کنند؟

بنده واقعاً تأسف می‌خورم کسی که عمری کنار سفره حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) ارتزاق کند این چنین نمک خورده نمکدان بشکنند!!

حال یک عده جذب وهابیت می‌شوند که ما از آن‌ها هیچ توقعی نداریم. یک سری افراد جذب داعش می‌شوند که ما از آن‌ها هیچ توقعی نداریم. یک گروه جذب طالبان می‌شوند که ما از آن‌ها هم توقع نداریم.

ولی اینکه یک سری افراد تحت تأثیر سحر و جادو جذب یک فرهنگ مزخرف، بی محتوا، بی اثر و بی‌ریشه شوند برای ما خیلی دردناک است. ما بازهم از خداوند عالم هدایت این افراد را خواستاریم.

ما از خداوند عالم می‌خواهیم زمینه روشن شدن این افراد را فراهم کنند، زیرا آن‌ها عزیزان و فرزندان ما هستند. بنده حاضرم یک جلسه تا صد جلسه در همین جا بیایم یا شاگردان و همکارانم را بفرستم. اگر این افراد راست می‌گویند برای مناظره بیایند.

مناظره یکی از بهترین روش‌هایی است که قرآن کریم از زمان حضرت ابراهیم بیان کرده و آن بزرگوار مخالفین خود را برای مناظره دعوت کرده است. این افراد برای مناظره بیایند، زیرا ما از یک جلسه تا صد جلسه آمادگی داریم.

هرکسی که اینجا از طرفداران آن‌ها هستند یا صدای من را می‌شنوند به ایشان اعلام کنند که بنده از یک جلسه تا صد جلسه حاضرم با این افراد بنشینم و بحث علمی کنم. اگر این افراد نمی‌توانند با بنده مناظره کنند با دیگر دوستان بنده مناظره کنند و ما هم شنونده می‌شویم.

اگر این افراد واقعاً راست می‌گویند و همانند خفاش پشت پرده نمی‌روند و افراد ناآگاه را به طرف فساد دعوت می‌کنند به صحنه بیایند. البته بنده قرار بود مطالب زیادی را عرض کنم. ان شاءالله اگر توفیق داشتیم دو هفته دیگر به حول قوه الهی در خدمت شما عزیزان هستیم.

دوستان اگر سؤالی دارند بفرمایند.

پرسش:

بسیاری از کسانی که در ماجرای «أحمد الحسن» فعال هستند در زندان هستند و افراد زیادی را هم به انحراف کشیدند. در حالی که اکثر مبانی این افراد روایاتی است که در کتب احادیث شیعه است و به آنها استناد می‌کنند. تا حالا کسی چنین کاری انجام نداده که این احادیث را موشکافی کند، سند کند و مبانی آن را مطرح کند.

من پیشنهادی خدمت شما دارم؛ چند نفر از آقایانی که در زندان یا دادگاه ویژه روحانیت هستند که ما آنها را دیدیم و با آنها بحث کردیم را بیاورید و جلسهای ترتیب دهید تا بتوانیم از طریق رسانه‌ها منتشر کنیم که زمینه آن آماده شود.

شما از این افراد درخواست می‌کنید که بیایند، اما آنها نمی‌آیند. واقعاً باید این افراد را به اینجا بیاورند، زیرا واقعاً افرادی هستند که از طریق جهالت دچار این مسائل شدند. در زندان هم کسی را نمی‌آورند که با این افراد بحث کنند و آگاهشان کنند.

پاسخ:

در زندان هم بسیاری از دوستان ما رفتند و با این افراد بحث کردند. این بحث همان بحثی است که رسول گرامی اسلام با امثال «ابوجهل» و «ابولهب» داشت که آیات و نشانه‌ها را می‌دیدند، اما زیر بار نمی‌رفتند.

(وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا)

از روی ستم و عصیان منکر آن‌ها شدند، اما ضمیرهایشان بدان یقین داشت.

سوره نمل (27): آیه 14

ما آماده هستیم حتی می‌توانم با دوستان اطلاعات هماهنگی کنم. بنده آمادگی دارم و دوستانی هم که می‌توانند با جناب آقای «موسوی» هماهنگ کنند تا این افراد را به اینجا بیاورند و تضمین هم بدهند که این افراد آزادانه حرف بزنند.

بنده آمادگی دارم و هیچ حرفی هم ندارم. همچنین ببینید که بنده در «شبکه جهانی ولایت» ده دقیقه صحبت کردم و این مطالب پیاده شده است. یکی از سرکرده‌های این افراد حدود یک و نیم ساعت به من جواب داده است.

در حال حاضر در اینترنت هم عرایض ده دقیقه‌ای بنده و هم بحث یک ساعت و نیم این شخص موجود است. بنده عرض کردم خداوند این توفیق را به بنده داده که بیست سال در این حوزه رجال و درایه در پایه‌های هشت و نه و ده تدریس کردم.

اگر شاید در این حوزه پنج نفر پیدا کنید که در بحث رجال و درایه تخصصی داشته باشد یکی از آن‌ها بنده هستم. ولی این افراد حتی با شاگردان بنده هم جرئت نمی‌کنند مناظره کنند.

ما بارها اعلام کردیم. در «شبکه جهانی ولایت» تلفن باز است و این افراد می‌توانند راحت بیایند نه با تلفن‌های داخلی بلکه با تلفن‌های خارجی می‌توانند صحبت کنند. در حال حاضر تلفن‌های خارجی را در گذر خان می‌فروشد.

این افراد می‌توانند از طریق کارت‌های اعتباری عراقی، ترکیه و سعودی روی خط بیابند و صحبت کنند. در حال حاضر ما حدود دو سال است مبارز می‌طلبیم، اما این افراد نمی‌آیند. چرا نمی‌آیند؟!

سرکرده این افراد برای ده دقیقه صحبت من یک ساعت و نیم مطالب بیهوده بیان کرده است. معلوم است این شخص از علم حدیث خبر ندارد، از علم رجال خبر ندارد، از فقهت خبر ندارد و از اصول هم خبر ندارد. یک طلبه جوان 25 ساله یک ساعت و نیم چرندیات گفته است.

ما باید با این افراد چکار کنیم؟! بحث ده دقیقه‌ای بنده در اینترنت در فضای مجازی وجود دارد و جواب یک ساعت و نیم این شخص هم در اینترنت موجود است.

عزیزمان اعلام کردند اگر دوستان سؤالی دارند سؤالات را بنویسند و جمع کنند تا ما در جلسه بعد در خدمتشان باشیم. البته شفاهی هرکسی سؤالی دارد ما در خدمتشان هستیم.

پرسش:

در رابطه با پاسخ به شبهات چه کتابی معرفی می‌کنید؟!

پاسخ:

در رابطه با پاسخ به شبهات کتاب زیاد نوشته شده است، اما در مجموعه خودمان همان کتاب سه جلدی که کتاب «غفاری» را دادیم به نام «نقد أصول مذهب الإمامة الشیعة الأثنی عشریة» را مطالعه کنید.

شما در سایت «موسسه ولی عصر» که سطر اول سایت گوگل است وارد شوید و ملاحظه کنید که ما شبهات این افراد را پاسخ دادیم.

بنده به فضل و عنایت خداوند عالم می‌توانم ادعا کنم که در حوزه علمیه قم در پاسخ به شبهات وهابیت و منحرفین، سایت «موسسه ولی عصر» قوی‌ترین سایت است. ترجمه یک جلد از این کتاب در سایت موجود است.

این کتاب را هشت سال قبل ترجمه کردند، اما ما گرفتار «شبکه جهانی ولایت» شدیم که روزی 15 ساعت از وقت ما را گرفته است. اهل بیت (علیهم السلام) به ما عنایتی کردند و کم کم داریم فارغ البال می‌شویم.

همچنین بحث‌هایی که بنده در عربستان سعودی داشتم تحت عنوان «قصة الحوار الهادی» در سه جلد روی اینترنت موجود است.

بنده در حدود 48 سالی که در حوزه بودم شاید نزدیک 50 جلد کتاب چاپ و منتشر کرده باشم، اما کتب «نقد أصول مذهب الشيعة الإمامية الاثني عشرية» و «قصة الحوار الهادی» گل سرسبد بحث‌های بنده بوده است.

در دانشگاه هلند رساله دکتری بنده حول بحث شبهات وهابیت با محوریت غدیر بوده است و دوستان می‌توانند این مطالب را در آنجا ببینند. بنده عمده شبهاتی که وهابیت با محوریت غدیر دارند را در آنجا آوردم و دوستان می‌توانند آنجا ببینند.

پرسش:

استاد کلاس درسی در این زمینه ندارید؟!

پاسخ:

ما فقط صبح‌ها کلاس فقه داریم. ما بر تمام شبهات وهابیت کتابی به نام «نقد أصول مذهب الشيعة الإمامية الاثني عشرية» نوشتیم.

حضرت آیت الله اعرافی که در حال حاضر مدیر حوزه علمیه قم و مدیر جامعه المصطفی است از ما خواستند که این کتاب را در یک جلد به صورت کتاب درسی منتشر کنیم.

ما این سه جلد که هرکدام 600 صفحه است تبدیل به 150 صفحه کردیم. همچنین مقدمه‌ای نوشتیم که قرار است کتاب درسی جامعه المصطفی باشد. چند هفته قبل کتاب را از من گرفتند تا در حقیقت کتاب درسی طلاب غیر ایرانی باشد.

ما خلاصه سه جلد از کتاب «نقد أصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة» و «قصة الحوار الهادی» را در 450 صفحه آوردیم. دوستان می‌توانند به سایت «موسسه ولی عصر» مراجعه کنند، زیرا تمام تألیفات ما و پاسخ‌هایی که به شبهات وهابیت دادیم در آنجا موجود است.

پرسش:

یکی از شبهات وهابیت این است که ادعا می‌کنند ما محب اهل بیت هستیم و حتی مجالسی هم برای امام حسین (علیه السلام) گرفتند. این افراد ادعا می‌کنند که ما تنها نسبت به شیعه غضب داریم!!

پاسخ:

اولاً «ابن تیمیه» رهبر معنوی وهابیت است. اگر شما کتاب «منهاج السنة النبویة» را از صفحه اول تا آخر مطالعه کنید خواهید دید که جز نصب و جسارت نسبت به ائمه طاهرین (علیهم السلام) چیز دیگری وجود ندارد.

او نسبت به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌گوید: زمانی که حضرت فاطمه زهرا نسبت به ابوبکر جسارت می‌کند دچار نفاق شده بود. او نسبت به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به صراحت می‌گوید: او شراب خورد و در حال مستی نماز خواند. در این حال آیه شریفه:

(لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى)

در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید.

سوره نساء (4): آیه 43

نازل شد!!

«ابن تیمیه»، «محمد بن عبدالوهاب»، «بن باز» و «آل سعود» دهها افترا به امیرالمؤمنین دارند.

ان شاء الله اگر فرصتی باقی بود بنده تمام توهین‌هایی که «ابن تیمیه»، «محمد بن عبدالوهاب»، «بن باز» نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)، حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا و حضرت سیدالشهدا و دفاع از یزید بن معاویه دارند را روی پرده خواهم آورد.

دفاعی که «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» از یزید بن معاویه داشته احدی نداشته است. این افراد با این احوالات ادعا می‌کنند که ما محب اهل بیت هستیم. این مسئله از بدبختی ماست!!

دوستان اگر سؤالی دارند بنویسند در طول هفته به آقایان بدهند. ان شاء الله ما دو هفته دیگر در خدمت عزیزان هستیم.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت محمد و آل محمد مقدمات ظهور و فرج حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) سریعاً فراهم گردان. خدایا ما را از یاران خاص، مخلصین و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانبیش متصل بفرما.

خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد شر اشرار و وهابیت را از مسلمانان و شیعه کوتاه بگردان. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد ما را یک لحظه به خودمان وامگذار. خدایا کسانی که علیه ما و علیه دین و مذهب و کشور ما تلاش می‌کنند اگر قابل هدایت هستند مقدمات هدایتشان را فراهم بگردان و اگر قابل هدایت نیستند سریعاً نابود و محوشان بگردان.

خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار، شر دنیا و آخرت را از ما دور بگردان. هدیه به ارواح انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالاخص امام راحل صلوات.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته